

واکاوی علل همگرایی و واگرایی ایلات کرد با دولت صفوی

مهناز کلوندی

دکتری تاریخ ایران اسلامی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، تهران، ایران

Mahnazkalvandi@yahoo.com

نیره دلیر

دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

dalirnh@yahoo.com

رضا شعبانی

استاد گروه تاریخ واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

rezashabani@yahoo.com

مجله علمی پژوهشی تاریخ- شماره ۵۸- پاییز ۹۹- صفحه ۲۷۷-۲۵۳

تاریخ دریافت مقاله : ۹۹/۸/۳۰ تاریخ پذیرش ۹۹/۱۲/۹

چکیده

از مباحث مهم تاریخ سیاسی و اجتماعی در ایران مطالعه اقوام ایرانی است در این راستا قوم کرد و عملکرد آنان با حکومت‌های مرکزی در طول تاریخ قبل و بعد از اسلام مهم است، مقاله حاضر در نظر دارد تا همگرایی و واگرایی قوم کرد با صفویه تا زمان شاه عباس اول را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد، سوال اصلی این است که علل همگرایی و واگرایی ایلات کرد در غرب ایران با دولت صفوی چه بود؟ نوشتار حاضر با رویکرد توصیفی و تحلیلی به بررسی همگرایی و واگرایی ایلات کرد با دولت صفوی با شاخص سیاسی و مذهبی می‌پردازد. دستاورد پژوهش این است که برخی ایلات کرد با همگرایی سیاسی و مذهبی با حکومت صفویه در تقویت ساختار قدرت سیاسی و نظامی حکومت مرکزی ایران در غرب ایران نقش برجسته‌ای ایفا نمودند. اما برخی دیگر به علت رفتار نادرست شاهان صفوی و حمایت دولت عثمانی با واگرایی با صفوی و اتحاد با عثمانی خواستار حفظ استقلال محلی خود بودند.

واژگان کلیدی: همگرایی، واگرایی، صفویه، ایلات کرد.

مقدمه

در دوره صفویان اقوام و ایلات غرب ایران با توجه به بافت قومی - ایلی و انسجام درون گروهی و قدرت نظامی به صورت گروه مستقل در مناسبات اجتماعی عمل می‌کردند و حکام مرکزی برای نظارت بر آنان با مشکلات زیادی روبرو بودند. با شکل‌گیری دولت شیعی صفوی و هم‌مرز بودن با دولت سنی عثمانی از همان ابتدا شاهان صفوی با مسائل داخلی و خارجی مواجه شدند، یکی از مهمترین دغدغه‌های حکام صفوی تبعیت ایلات غرب ایران از حکومت مرکزی است، ایلات کرد، ایلات غرب ایران به دلیل موقعیت جغرافیای طبیعی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و قرار داشتن در سرحدات مرزی با مشکلات بسیاری مواجه بودند، به این خاطر همگرایی و واگرایی ایلات کرد در غرب ایران در مقام مرزداران حکومت مرکزی اهمیت بسیاری دارد، نوشتار حاضر در نظر دارد علل همراهی یا عدم تبعیت ایلات کرد در غرب ایران با دولت صفوی را مورد تحلیل تاریخی قرار دهد، در موضوع نوشتار حاضر پژوهش‌های تک‌نگاری در موضوع ایلات کرد و روابط آنها با دولت صفوی تدوین شده است، بطور نمونه در پژوهشی با عنوان ایل مکرری و فراز و فرودهای روابط با شاه عباس صفوی، به بررسی جغرافیای طبیعی و تاریخی و محل سکونت ایل مکرری در شمال غرب ایران پرداخته‌است، در این مقاله به روابط سیاسی ایل مکرری با صفویه می‌پردازد. در ابتدا این ایل با شاهان صفوی روابط حسنه نداشت و با دولت عثمانی همگرایی داشت. اما زمان شاه عباس به دلیل ازدواج شاه صفوی و خواهر رهبر مکرری روابط این خاندان با صفوی حسنه شد. به این ترتیب افراد زیادی از این خاندان در دربار صفویان نقش بارزی ایفا نمودند (قنبری، ۱۳۹۲، ۵). همچنین در مقاله‌ای با عنوان تبیین و کارکرد نخبگان سیاسی و ایلی کرد در دوره‌های صفوی و قاجار به نقش نخبگان کرد در دربار صفوی و قاجار اشاره دارد که در بخشی به نخبگان چگنی در دربار صفوی می‌پردازد که به دیدگاه مولف اغلب نخبگان کرد را به جهت نظامی و سیاسی استفاده می‌کردند تا امنیت و نظم در جامعه ایجاد شود (کجباف، ۱۳۹۰، ص ۳۸). مقاله‌ای با عنوان بررسی و تحلیل تاریخی عوامل موثر بر همگرایی و واگرایی اقوام ایرانی، به جهت شناخت تاریخچه استقلال‌خواهی قوم کرد تنظیم شده است، اما در این مقاله تنها اشاره‌ای مختصر بر فعالیت قوم کرد در عصر صفوی دارد و اغلب به اقدامات قوم کرد در عصر جنگ جهانی اول تا کنون می‌پردازد)

سلیمی، ۱۳۹۵، ۹۸/۷۵). در صورتی که مساله اصلی پژوهش حاضر بررسی عوامل همگرایی و واگرایی ایلات کرد در عصر صفوی است. همچنین مقالاتی در موضوع عملکرد ایل کلهر، زنگنه، برادوست، حسنیوه و اردلان تالیف شده است، از سویی در کتاب حرکت تاریخی کرد به خراسان به هدف بررسی تاریخچه ایلات مهاجر به خراسان و نقش آنان در آنها به شرق تدوین شده است. (توحیدی، ۱۳۶۵/۱۲۲). کتاب کردستان اثری از علی اصغر شمیم نیز در ابتدا به شرح جغرافیای طبیعی-سیاسی-اقتصادی و بیان نژاد و زبان و مذهب کردها پرداخته است، در این اثر مولف تاریخ سیاسی و اجتماعی کرد قبل و بعد از اسلام را شرح داده است. بخش مفصلی از کتاب در موضوع اصالت نژاد کرد در فلات ایران است. در این اثر تحلیلی از حوادث سیاسی، اجتماعی کردها در قبل و بعد از اسلام ندارد (شمیم، ۱۳۱۲). اثر دیگری به نام پیوستگی قوم کرد تالیف رشید یاسمی، در هفت فصل به قدمت سکونت قوم کرد در زاگرس و همچنین روابط آنها با حکومت‌های مرکزی در عصر باستان و بررسی نژاد قوم کرد اشاره دارد. اما همانند دیگر آثار تنها به بررسی تاریخچه قوم کرد در زاگرس و وضعیت سیاسی و اجتماعی کردها قبل و بعد از اسلام پرداخته است این اثر تحولات و شورش‌های ایلات کرد را به صورت مختصر بیان کرده است. در این اثر نیز اغلب بحث توصیفی در مورد کردستان و قوم کرد است (یاسمی، بی تا). در حالیکه پژوهش حاضر در نظر دارد به واکاوی علل همگرایی، واگرایی ایلات کرد با صفوی را پردازد.

همگرایی سیاسی قبایل کرد با دولت صفوی:

این بخش نوشتار همگرایی ایلات کرد با دو شاخص سیاسی و مذهبی بررسی می‌شود، از اقدامات حکومت صفوی رسمی نمودن مذهب تشیع بود، شاه اسماعیل صفوی خواهان تثبیت قدرت در مناطق مرزی بود از سویی در این زمان قدرت حکومت عثمانی تا سرحدات فلات ایران گسترش یافته بود. لذا حفظ سرحدات در برابر دو دولت سنی مذهب عثمانی در غرب و ازبکان در شرق از اهداف مهم شاهان صفوی به شمار می‌آمد. از جهتی نظام سیاسی حاکم در فلات ایران شاهد جماعت‌های قومی و محلی بود که در برابر اقتدار حکومت مرکزی مقاومت می‌نمودند. زیرا در این

زمان قدرت یا فرمان شاه جایگزین ریاست قبیله‌ای شد، زمان شاه اسماعیل با برقراری مذهبی واحد در تحولات غرب ایران و دولت‌های همجوار تاثیر بسیاری داشت:

قوم کرد عصر شاه اسماعیل:

این سلسله با شکل‌گیری حکومت شاه اسماعیل (۹۳۰-۹۰۵ ه.ق)، فرزند حیدر در سال ۹۰۵ ه.ق آغاز شد، شاه اسماعیل پس از جمع‌آوری نیرو در سال ۹۰۷ ه.ق تبریز را تصرف نمود، وی قدرت خود را در شرق و غرب فلات ایران گسترش داد این امر زنگ خطری برای دولت عثمانی در غرب بود (ابن بزاز، ۱۳۷۷، ۳۸. تتوی، ۱۳۸۷، ۷۶). ایلات کرد از مهم‌ترین اقوام غرب است که در زمان شکل‌گیری دولت صفوی جمعیت کرد ایران شامل قبایل سپاه منصور، چگنی، کلهر-زنگنه-مکری و اردلان می‌شد (بدلیسی، ۱۳۴۳، ۱/ ۱۱۲). از سویی در شمال ایالت کردستان دولت عثمانی قرار داشت، بنابراین موقعیت زیستی و استراتژی کردستان در عملکرد صفوی با قوم کرد در این بازه زمانی اهمیت بسزایی داشت. پس از آنکه شاه اسماعیل سپاه قزلباش را ایجاد نمود اغلب متصرفات آق‌ها را تصاحب نمود، سپس به جهت تثبیت قدرت در سرحدات غربی در سال ۹۱۱ ه.ق لشکری به هدف ایمن‌سازی کردستان و دیاربکر ارسال نمود، هدف وی سرکوب شورش حکومت‌های محلی کرد بود از جمله شورش شیر صارم کرد و علاء الدوله بود که در این نبرد شیر صارم شکست خورد و ایالت وی به تصرف دولت صفوی درآمد، اما برخی قبایل کرد از همان ابتدا به دولت صفوی پیوستند و با این حکومت همگرایی سیاسی داشتند دو قبیله چمیش گزک و خنیوس لو تابع صفوی شدند (اسکندر بیگ، ۱۳۹۰، ۲/ ۱۶۷). لذا در نبرد دو دولت برخی قبایل کرد تابع عثمانی و برخی با دولت صفوی همراه شدند، از علل مهم پیروی کردها از عثمانی اشتراک مذهبی، برخورد خشن شاه اسماعیل با کردها و قتل روسای کرد و جایگزین نمودن قزلباش به جای والیان کرد در ایالت کردستان، همچنین شکست اسماعیل صفوی در چالدران از عثمانی را می‌توان اشاره نمود (مک داو، ۱۳۸۳، ۷۷). اما برخی قبایل کرد در غرب ایران از صفوی تابعیت نمودند، بنابراین نقش قوم کرد در پیشبرد اهداف صفوی زمانی پررنگ و گاهی ضعیف می‌شد، این تزلزل همراهی وابسته به میزان قدرت شاه صفوی داشت، بطور مثال از خاندان‌های همراه و تابع دولت صفوی می‌توان به خاندان اردلان در کردستان سَنه اشاره نمود، منطقه تحت تحکم اردلان تا عصر صفوی و تا سال

واکاوی علل همگرایی و واگرایی ایلات کرد با دولت صفوی

۹۲۰ه.ق جزء خاک ایران بود عصر صفوی آنان با لقب والیان ۱ کردستان با تابعیت از دولت مرکزی حکومت می‌کردند، لذا حکام اردلان در دربار صفوی در مرتبه چهارم قرار داشتند این حکام مورد تایید صفوی بودند. در مدت حکومت شاه اسماعیل اول خاندان اردلان همراه و تابع شاه صفوی بودند تا اینکه پس از شکست ایران در چالدران اردلان به تصرف عثمانی در آمد. از دیگر ایلات کرد همگرا با دولت صفوی می‌توان به ایل زنگنه اشاره نمود، زنگنه از خاندان‌های کرد که به مدت چهار قرن به عنوان امرای دولت مرکزی در غرب ایران حکومت نمودند، در منابع صفویه از ابتدا تا زمان شاه عباس از نفوذ و همگرایی این خاندان با دولت مرکزی گزارش‌های مبسوطی ارائه شده است (اسکندریگ، ۱۳۹۰/۲/۱۰۴. بدلیسی، ۱۳۴۳، ۴۳۲/۱). این خاندان زمان حکومت شاه اسماعیل از شمال شرقی به ایران آمدند، از همان ابتدای استقرار در غرب ایران با اسماعیل صفوی همراه شدند و مناصب سیاسی و نظامی کسب کردند (میرخواند، ۱۳۳۹/۸/۶۸۷). قوم حکاری از کردهای تابع صفوی زمان زاهد بیگ بن عزالدین شیر از حکام حکاری به شاه اسماعیل صفوی ارادت خاصی داشت وی مورد توجه شاه صفوی بود و از جانب او منشور ایالت موروثی را دریافت نمود (بدلیسی، ۱۳۴۳، ۱۳۳/۱). همچنین امیر حسن والی عمادیه به خدمت شاه اسماعیل آمد و تابعیت خود از صفوی را اعلام نمود لذا مورد توجه شاه قرار گرفت بعد ها از این خاندان بیرام بیگ در قزوین به خدمت شاه اسماعیل دوم در آمد (بدلیسی، ۱۳۴۳، ۱/۱۵۰). از دیگر ایلات همراه شاه اسماعیل می‌توان به ایل پازوکی اشاره نمود، این ایل شامل دو شاخه خان بگلو و شکر بگلو، گروه اول در خنس و ملازگرد ساکن بودند ولی گروه دوم تابع امیر بدلیس بودند، در مورد اطلاعات چندانی موجود نمی‌باشد به قولی امرای پازوکی همانند حسین علی بیگ-خالد بیگ و شهسوار بیگ در رکاب شاه اسماعیل بودند (همانجا). شهسوار بیگ در نبردی که همراه شاه صفوی بود یک دستش قطع شد و شاه به پاس خدماتش دستور داد دستی از طلا برای وی بسازند. اما پس از مدتی اعلام استقلال کرد و تابع دولت عثمانی شد (همانجا). از دیگر قبایل همراه دولت صفوی می‌توان به امارت

^۱ والی در ایران شامل چهار ولایت لرستان-گرجستان-عربستان و کردستان می‌شد، ولادیمیر، مینورسکی، ۱۳۳۲، ۶.

چمشگزک کرد اشاره نمود، زمان شاه اسماعیل چون امارت چمشگزک در اختیار قزلباش قرار گرفت لذا آنها تابع دولت صفوی شدند اما زمان نبرد سلطان سلیم این امارت مدتی به تصرف عثمانی در آمد (بدلیسی، ۱۳۴۳، ۱/۱۵۳). دیگر امارت کرد تابع صفوی امارت سلیمانی منسوب به امرای اموی است که پس از سقوط امویان وارد روستای قوبل از توابع بدلیس شدند این امارت شامل هشت طایفه می شد که مذهب سنی و یا یزیدی داشتند. اغلب آنها چادرنشین و دامدار بودند، زمان حکومت امیر یادین روابط حسنه‌ای با دربار شاه اسماعیل برقرار کردند و پس از فوت امیر یادین، جانشینان وی تابع صفوی شدند (همانجا). همچنین زمان شاه اسماعیل امیر برادوست با نام غازی پسر احمد روابط حسنه‌ای با دولت صفوی برقرار نمود. شاه صفوی امارت ترگه-صومای را به او داد امیر غازی تا نبرد چالدران تابع صفوی بود اما با شکست صفویه این امارت مانند دیگر امارت های کرد در تصرف عثمانی در آمد (بدلیسی، ۱۳۴۳، ۱/۱۵۵). همچنین صارم بیگ امیر مکرری هم عصر شاه اسماعیل بارها با نیروی قزلباش نبرد کرد وی به جهت حفظ امارت خویش تابع عثمانی شد اما پس از مرگ وی عموزاده‌های وی با نام شیخ حیدر و میر نظر و میر خضر تابع صفوی شدند اما با مخالفت دولت عثمانی مواجه شدند که بعدها تابع عثمانی شدند (زکی بیگ، ۲/۲۵۲).

قوم کرد عصر شاه طهماسب:

پس از مرگ شاه اسماعیل پسرش شاه طهماسب (۹۸۴-۹۳۰ه.ق) به حکومت منصوب شد، زمان وی نبرد با دو دولت همجوار سنی مذهب به شدت ادامه یافت وی بارها در شرق با ازبک و در غرب با عثمانی نبرد کرد لشکرکشی نمود. ۲ در این مدت ایلات کرد در غرب ایران در اختلافات دو دولت نقش بارزی داشتند. شاه طهماسب در زمان قدرت‌گیری با مسائلی همانند اختلافات با دولت عثمانی و ازبک-نبرد داخلی و شورش قزلباش مواجه شد. شاه طهماسب به جهت حفظ وحدت در فلات ایران و کاهش قدرت قزلباش از نیروهای غیر قزلباش همانند ایلات کرد استفاده

^۲ از حوادث مهم عصرش شورش برادرش سام میرزا در شرق بود همچنین دیگر برادرش القاص

میرزا اعلام استقلال نمود و شورش کرد که به دربار عثمانی پناه برد، از سویی در زمان حکومت شاه طهماسب به دلیل اختلاف میان سلطان سلیمان و پسرش بایزید، وی از دربار عثمانی به ایران پناه برد. امیر محمود، هروی، ۱۳۶۳، تاریخ شاه طهماسب، تهران، شرق، ص ۱۲۵.

واکاوی علل همگرایی و واگرایی ایلات کرد با دولت صفوی

نمود، ایلات کرد شاه صفوی را در سرکوب شورش‌های داخلی و نبرد با عثمانی همراهی نمودند، بنابراین در مدت حکومت شاه طهماسب لشکر وی اقوام کرد، چرکس و ترک می‌شد که نیروی سوم زمان وی متشکل از کرد و چرکس بود. به مرور زمان در حکومت وی برخی ایلات کرد جزء صاحب منصبان دولت صفوی شدند (بدلیسی، ۱۳۴۳، ۴۳۵/۲). بطور نمونه شرف خان بدلیسی از همراهان دولت صفوی بود،^۳ زیرا زمان شاه طهماسب وی با دولت عثمانی دچار مشکل شد و به ایران پناه برد. پس از ورود به ایران به خدمت شاه طهماسب در آمد، در مدت غیبت شرف خان، اولامه بیگ از طرف سلطان سلیمان به مقام بیگلربیگی بتلیس-حصن کیف رسید لذا شرف خان به نبرد وی رفت و او را شکست داد سپس بتلیس تابع دولت ایران شد، این امر موجب نبرد ایران و عثمانی شد نیروی شاه طهماسب در وان عثمانی را شکست داد. پس از مرگ شرف خان پسرش شمس‌الدین حاکم شد و شاه طهماسب به وی لقب خان داد و ایالت‌های مراغه-جهرود و فراهان به تیول به او اعطا نمود (بدلیسی، ۱۳۴۳، ۲۱۷/۲). به نظر می‌رسد خاندان بدلیسی با همگرایی سیاسی با دولت صفوی، در شورش‌ها و مسائل داخلی صفوی به این دولت بسیار کمک کردند، همانند همراهی آنان در سرکوب شورش حاکم لاهیجان، احمد خان گیلانی حاکم لاهیجان شورش کرد، شرف خان بدلیسی به آنجا رفت و احمد خان را شکست داد احمد خان فرار کرد اما در پایان دستگیر شد، به خاطر خدمت شرف خان به دولت صفوی حکومت لاهیجان به وی واگذار شد (روملو، ۱۳۴۹، ۱۲۱۵/۹). به نظر می‌رسد اغلب کردهای غرب ایران زمان شاه طهماسب تابع دولت صفوی بودند. بطور مثال عشایر چگنی نیز از اقوام کرد تابع شاه صفوی بودند، عشایر چگنی ابتدا در عراق پراکنده بودند زمان شاه طهماسب پنج هزار خانوار از آنان به خراسان تبعید شدند، همچنین در سال ۹۲۷ه.ق به دلیل اختلافات داخلی در دربار صفویه قزاق خان روملو حکمران هرات شورش کرد شاه سپاه قزلباش به همراه برخی امرای صفوی مانند علی سلطان چگنی و شاه منصور از طایفه سیاه منصور و خلیل بیگ کرد را به سرکوب او فرستاد، در پایان روملو دستگیر و

^۳ . زیرا اولین نبرد عثمانی با طهماسب زمینه آن با قتل شرف خان بدلیسی همراه صفوی بود و از طرف دیگر پناهنده شدن اولمه تکلو به سلطان سلیمان آغاز شد، اولمه تکلو بارها به بدلیس حمله کرد تا آنکه سال ۹۳۹ه.ق شرف خان را به قتل رساند و قلعه بدلیس را تصرف کرد حسن بیگ روملو، ۱۳۴۹، احسن التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، سمت، ج ۹، ص ۱۲۱۳.

اموالش مصادره گردید. (تنوی، ۱۳۸۷، ۶۳۶). علی سلطان چگنی از جانب شاه والی قلعه وان شد اما با حملات سلطان سلیمان عثمانی مواجه گردید مدت نه روز با نیروی عثمانی نبرد کرد در پایان قلعه سقوط کرد به دست عثمانی افتاد. (همانجا). لذا حضور امرای کرد در نیروی قزلباش نشانگر آن است که شاه صفوی در مرزهای شرقی به قوم کرد اعتماد داشت.

ایل کلهر از ایلات همراه دولت صفوی بود که شامل سه شاخه (پلنگان-درتنگ و ماهی دشت) می‌شد، پس از مرگ شاه اسماعیل ذوالفقار خان کلهر در دینور، سنقر قدرت گرفت، زمان طهماسب از جانب دولت بر قسمتی از کردستان و لرستان حکومت کردند. سپس ذوالفقار خان کلهر به بغداد حمله کرد در عراق حکومتی با نام کلهرستان تاسیس نمود و به نام خود سکه زد و اعلام استقلال نمود، در این مدت طهماسب با سلیمان صفوی طرح دوستی ریخت اما پس از مدتی روابط آنان به دشمنی تبدیل شد به این خاطر ایل کلهر به جهت حفظ و حمایت از صفوی تصمیم به قتل ذوالفقار خان گرفتند و دولت وی منقرض شد (مردوخ، ۱۳۴۱). از سه شاخه ایل کلهر پلنگان دائما همگرایی سیاسی و مذهبی با دولت صفوی داشت به طوری که محمد بیگ از امارت پلنگان با دختر شاه طهماسب ازدواج کرد وی صاحب چهار پسر شد و امارت خود را میان آنها تقسیم کرد بعد ها با ضعف امرای پلنگان امارت آنان به تصرف عثمانی در آمد (روملو، ۱۳۴۹، ۱۱. مردوخ، ۱۳۴۱).

خاندان دُنبلی از دیگر ایلات همراه دولت صفوی بودند آنان در سرحدات مرزی به دفع حملات و شورش‌های مخالفان صفوی مشغول بودند؛ به دیدگاه بدلیسی بهلول بیگ دنبلی نخستین کسی بود که تابع شیخ حیدر صفوی شد (بدلیسی، ۱۳۴۳، ۳۹۸/۱). به قولی زمان طهماسب، حاجی بیگ دنبلی مامور محافظت از مرزهای غرب فلات ایران بود (همانجا). پس از حاجی بیگ جانشینان وی سیاست دوگانه‌ای در پیش گرفتند به صورتی که گاهی با صفوی و زمانی با عثمانی همکاری می‌نمودند به این خاطر شاه طهماسب صفوی تصمیم به تنبیه دنبلی‌ها گرفت و چهارصد نفر از جنگاوران آنان را به قتل رساند در تقابل با اقدام شاه طهماسب این خاندان مدتی همراه عثمانی شدند، اما با شکل گیری امارت سلطان علی بیگ دنبلی روابط این خاندان با صفوی نیکو گشت چنانچه سلطان علی در دربار شاه طهماسب مقام دولتی کسب نمود (بدلیسی، ۱۳۴۳، ۴۵۰/۱). وی مدتی به عنوان نیروی

واکاوی علل همگرایی و واگرایی ایلات کرد با دولت صفوی

صلح در دربار صفوی مشغول بود در این مدت افرادی از دنبلی‌ها به عنوان قورچیان یا یوزباشی شاه صفوی برگزیده شدند. زمان امارت امیر بهروز خان دنبلی ملقب سلمان در سال ۹۴۵ه.ق در نبرد با عثمانی با دولت صفوی همراهی نمود، وی از طرف شاه هدایا دریافت کرد مورد تکریم قرار گرفت (همانجا).

از دیگر ایلات همراه صفوی می‌توان به خاندان اردلان اشاره نمود، هر چند این خاندان پس از نبرد چالدران تابع عثمانی شدند اما زمان شاه عباس به دلیل تقویت دربار صفویان در سرحدات از دولت مرکزی ایران حمایت نمودند. زمان سلیمان عثمانی مامون بیگ اردلان تابع صفوی بود وی املاک بسیاری در تصرف داشت و این توسعه قدرت مورد پسند عثمانی نبود، لذا سپاه ینی چری به کرکوک حمله کرد سپس به جهت ایجاد امنیت به شهر زور تهاجم نمود هدف عثمانی تصرف مریوان و سنه بود لذا مامون بیگ مجبور شد برای گفتگو وارد استانبول شود در آنجا زندانی شد سپاه عثمانی آنجا را غارت کرد با فقدان والی در اردلان شاه طهماسب سرخاب بیگ را والی آنجا نمود (رهر برن، بی تا، ۱۲۰). جانشینان سرخاب بیگ تابع صفوی بودند که شاهان صفوی در سرکوب شورش‌های داخلی در اردلان به والی آنجا کمک می‌کردند و برای آنها نیروی نظامی ارسال می‌نمودند (اسکندر بیگ، ۱۳۹۰، ۱/ ۴۱، مردوخ، بیتا، ص ۸۰). بنابراین به نظر می‌رسد کردهای جنوبی مانند قوم کرد ایلام- لرستان و کرمانشاه همگرایی سیاسی و مذهبی با حکومت مرکزی داشتند بطوری که به جهت کمک به دولت در سرکوب شورش‌های داخلی قشون ارسال می‌کردند. از دیگر ایلات کرد همگرا با دولت صفوی می‌توان به طایفه سیاه منصور اشاره نمود این طایفه زمان شاه طهماسب تاسیس شد و خلیل بیگ از طرف شاه صفوی ملقب به خان شد وی امیر الامرای کل ایران گردید که ۲۴ طایفه کرد تابع او شدند، املاک وی از آذربایجان تا عراق توسعه یافت اما به خاطر فساد خلیل بیگ از طرف شاه به خراسان تبعید شد پسرش دولتیار ابتدا تابع صفوی بود اما پس از مدتی تمر کرد که زمان شاه عباس این امارت از بین رفت (اسکندر بیگ، ۱۳۹۰، ۱/ ۴۳).

از امرای کرد تابع شاه طهماسب می‌توان به امیر کل بیگ بن سلیمان حاکم سوران اشاره نمود پیش از حکومت وی و زمان سیف الدین عشیره سوران تابع دولت عثمانی بود اما با قدرت گیری بیگ

بن سلیمان آنان با دولت صفوی همراه شدند سلیمان به خدمت شاه طهماسب در آمد، پس از وی پسرش بداق بیگ تابع شاه صفوی بود وی در سال ۹۸۵ ه. ق فوت کرد (بدلیسی، ۱۳۴۳، ۱/ ۴۴۸).

همچنین امارت مکرری نیز در ابتدا تابع دولت صفوی شد سپس برای مدتی از عثمانی حمایت کرد اما زمان حکومت بیگ بن شیخ حیدر تابع شاه طهماسب شد تا اینکه زمان اسماعیل دوم همچنان از صفویه حمایت می نمودند (همانجا). از دیگر امارت‌های کرد می توان به امارت محمودی اشاره نمود که زمان عوض بیگ از جانب شاه طهماسب حاکم الباق و دیگر مناطق کرد نشین شد اما پس از وی میان امرای محمودی در روابط با دو دولت صفوی و عثمانی اختلاف ایجاد شد حسینقلی خان تابع عثمانی و برادرش علی بیگ تابع صفوی شد پس از مدتی امارت محمودی به تصرف عثمانی در آمد اما بار دیگر زمان حکومت امیر بیگ حامد تابع صفوی شد، بعدها به دلیل خیانت به قتل رسید دو پسرش منصور بیگ و زینل بیگ وارد دربار صفوی شدند و مناصب دولتی کسب کردند (بدلیسی، ۱۳۴۳، ۱/ ۴۸۴). همچنین کردهای گلباغی که زمان شاه طهماسب از سلیمانیه وارد فلات ایران شدند تابع دولت صفوی بودند امیر آنها عباس آغا استاجلو، ابتدا تابع دولت اردلان بود و دختر یکی از بزرگان اردلان را به همسری برگزید. بعدها به دلیل توطئه دشمنان از زلم به ییلاور آمد آنجا حکومتی تابع دولت صفوی ایجاد کرد، پس از وی پسرش علی آغا تابع صفوی شد (بدلیسی، ۱۳۴۳، ۱/ ۴۹۰). به نظر می رسد برخی امارت‌های کرد در کشمکش میان دو دولت گاهی به این سو و زمانی به آن سو تمایل داشتند، مانند امارت حکاری که مدتی با صفوی و زمانی بر علیه آنان بود اما زمان شاه طهماسب از دولت صفوی پیروی کرد (بدلیسی، ۱۳۴۳، ۱/ ۵۱۲). میزان وفاداری ایالت‌های کرد به دولتها به قدرت حکام بستگی داشت گاهی با ضعف شاه صفوی یا شکست آنها تابع دولت عثمانی می شدند اما به نظر می رسد با اقتدار دولت شاه طهماسب اغلب کردها تابع صفوی بودند. بطور مثال ایلات کرد بانه تابع شاه طهماسب بودند چنانچه در اختلاف بوداق بیگ و سلیمان بیگ، بوداق بیگ به قزوین نزد شاه آمد و از ملازمان شاه صفوی شد تا پایان عمر آنجا زندگی کرد (صفوی، ۱۳۶۴، ۷۵). همچنین ایل پازوکی از قورچیان مخصوص شاه طهماسب بودند منطقه نفوذ این امارت در قلعه زلم و گنجه بود، پس از مرگ امیر اصلان بیگ توسط عثمانی

واکاوی علل همگرایی و واگرایی ایلات کرد با دولت صفوی

پسرانش قلیچ بیگ و ذوالفقار مورد تکریم شاه صفوی قرار گرفتند. این امارت با دولت صفوی همراه و متحد بود (همانجا). ذوالفقار بیگ پازوکی در سرکوب حملات اسکندر پاشا در وان همراه دولت صفوی شد و بی به نبرد اسکندر پاشا رفت در نبرد با آنها تعداد زیادی کرد کشته شدند از جمله پیر حسین بیگ چمشگزکی، که این نبرد ادامه یافت تا آنکه سال ۹۶۱ ه. ق صلح آماسیه میان صفوی و عثمانی برقرار شد (اسکندریبیگ، ۱۳۹۰، ۴۷/۱). به نظر می رسد شاه طهماسب در حفاظت از سرحدات مرزی از قوم کرد استفاده بسیاری نمود همچنین از میان کردها جاسوسانی انتخاب کرد تا اطلاعاتی از دربار عثمانی به او بدهند مانند یادگار بیگ پازوکی که جاسوس شاه شد و بعدها زمینه پناهندگی بایزید را فراهم نمود (همانجا).

از دیگر ایلات کرد همگرا با شاه طهماسب، می توان به همکاری امامقلی خلیفه چمشگزکی اشاره نمود، وی اخبار آمدن اولمه به ترجان را به قزلباش رساند، همچنین سید قلی کرد و رمزیار خیر ورود برادر شاه طهماسب القاص میرزا را به دولت دادند اما القاص میرزا فرار کرد سپس وارد اردلان شد و با وساطت قوم کرد با دولت صفوی وی را تحویل دولت دادند. و شاه طهماسب مبلغ هزار تومان به حاکم کرد تقدیم نمود (تبریزی، بی تا، ۱۱۵). از دیگر نشانه های همکاری های ایلات کرد با صفوی می توان به حضور بزرگان کرد در نبرد صفوی با عثمانی همانند سلیم خان زنگنه، حیدرخان زنگنه، شهباز سلطان بانه، مرتضی قلی خان اردلان و خانات مکر، محمودی و چمشگزک اشاره نمود (همانجا).

قوم کرد عصر شاه اسماعیل دوم و محمد خدابنده:

پس از مرگ شاه طهماسب پسرش اسماعیل دوم (۹۸۵-۹۸۴ ه. ق) به مدت یکسال حکومت کرد، وی در زمان حیات پدرش در زندان بسر می برد و پس از فوت پدر حاکم شد اما در این مدت به ستم با مردم برخورد نمود. زمان وی خاندان اردلان با شاه صفوی همچنان روابط حسنه داشتند و روابط خود را با دارالسلطنه قزوین پر رنگ تر نمودند، از دلایل مهم توجه ایلات کرد به دولت صفوی تسامح مذهبی و توجه شاه به این قوم بود، وی با این روش توانست برخی خاندان های کرد تحت اداره عثمانی تابع و همراه خود کند. شاه اسماعیل دوم در دربار صفوی به امرای کرد پست و مقام

اهدا نمود (اوزون چارش لی، ۱۳۷۷، ۳/ ۶۷). به دلیل رفتار حسنه و ملایمت آمیز با قوم کرد بیرام بیگ برادر قباد بیگ از کردهای عمادیه به دلیل شورش برادرش به دربار صفوی در قزوین پناهنده شد. این سیاست مذهبی شاه صفوی موجب جذب امرای کرد اهل سنت گردید (بدلیسی، ۱/ ۱۳۴۳، ۱۵۰). اما حکومت محمد خدابنده (۹۹۶-۹۸۵ ق) دوران ضعف دولت صفوی بود، به دلیل ضعف شاه صفوی قدرت قزلباش افزایش یافت و ستم قزلباش موجب اعتراض ایلات کرد گردید، در این مدت سلطان مراد سوم عثمانی کردهای سنی را برای غارت به آذربایجان فرستاد که مناطق شروان و قراباغ را تصرف نمودند (چارش لی، ۱۳۷۷، ۳/ ۷۰).

قوم کرد عصر شاه عباس اول:

شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ه.ق) به مدت ۴۲ سال حکومت کرد به دلیل ثبات قدرت وی اغلب ایلات ایران تابع دولت صفوی شدند، وی نیز با دو دشمن بزرگ ازبک و عثمانی مواجه بود. مقابله همزمان با دو قدرت قوی در شرق و غرب غیر ممکن بود لذا ابتدا با دولت عثمانی صلح نمود و با ازبکان نبرد کرد. شاه عباس مانند دیگر حاکمان صفوی به جهت مقابله با قدرت عثمانی توجه خاصی به غرب ایران داشت، وی معتقد بود که قوم کرد به غیر از حراست از سرحدات مرزی در نیروی نظامی و لشکری افراد توانمندی هستند، لذا از ایلات کرد در نیروی نظامی استفاده شد مثلاً عشایر مکرری از ارکان اصلی اردوگاه شاه صفوی بودند (روملو، ۱۳۴۹، ج ۸ ص ۶۶۱). به استناد منابع امرای کرد رتبه خانی در ایالت‌های خود از طرف شاه عباس دریافت کردند، همانند هلوخان اردلان که بیگلربیگی شهر زور را برعهده داشت، و عاشورخان چگینی حاکم مروشاهیجان و سلمان خان شویاشی دُنبلی حاکم سلماس یا امامقلی سیاه منصور حاکم اسفراین، رضا قلی سیاه منصور حاکم قلعه بست، بیرام علی حاکم دیلمان و گیلان، منصور سلطان دُنبلی و غیره این افراد از طرف شاه صفوی مقام خانی کسب کردند (اسکندرببیگ، ۱۳۹۰، ۱/ ۵۶-۷۵. یاسمی، بیتا، ۲۰۷). با توجه به اینکه در ابتدای سلطنت شاه عباس، حکومت عثمانی به فرماندهی فرهاد پاشا به سرحدات غربی ایران حمله کرد و تا نهایند پیش رفت شاه صفوی در سال ۹۹۸ ه.ق با عثمانی صلح کرد به این ترتیب مناطق غرب ایران مانند کردستان- گرجستان و نهایند به تصرف عثمانی در آمد (روملو، ۱۳۴۹، ۸/ ۶۶۴). در سال ۱۰۱۲ ه.ق شاه صفوی پس از شکست ازبک و ایجاد ثبات داخلی به غرب ایران

حمله کرد در این مدت ایل کلهر تابع عثمانی بود اما با آمدن شاه عباس این ایل ابتدا با صفوی نبرد کردند، اما تابع صفوی شدند (اسکندر بیگ، ۱۳۹۰، ۶۵۰. بدلیسی، ۱۳۴۳، ۱/ ۴۱۲). ایلات کرد در نبرد دولت صفوی با عثمانی با حکومت مرکزی همراهی نمودند، و در پایان صفویان پیروز شدند همانند چنانچه مصطفی بیگ فرمانده قوم کرد همراه شاه صفوی بود (همانجا). به نظر می رسد زمان شاه عباس توجه خاصی به قوم کرد شد، شاه صفوی به جهت کنترل قوم کرد آنان را مأمور حفاظت از سرحدات مرزی نمود و در امور دیوانی و اداری از ایلات کرد استفاده کرد، بنابراین ایلات کرد همانند حکاری و محمودی را وارد نیروی نظامی کرد. زیرا این اطاعت و سرسپردگی قوم کرد حائلی محکم در برابر دولت عثمانی بود (اسکندر بیگ، ۱۳۹۰، ۶۵۶). همچنین خاندان دُنبلی عصر حکومت شاه عباس نقش بارزی در دربار صفوی ایفا نمودند، از جمله اقدامات آنها تلاش در آزاد سازی تبریز و آذربایجان از اشغال عثمانی بود، از بزرگان آنها جمشید سلطان دنبلی همراه شاه عباس به بلخ و خراسان آمد مدتی از جانب شاه صفوی حاکم مرنند شد، وی در این مدت به سرکوب شورش های منطقه پرداخت لذا به مقام خانی ارتقا پیدا کرد و نقش فعالی در ایجاد امنیت و ثبات در آذربایجان داشت (اسکندر بیگ، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۶۷۸). همچنین سلمان خان دنبلی زمان شاه عباس خدمات بسیاری برای دربار صفوی انجام داد لذا شاه بیگلربیگی شهرهای خوی-سلماس و تبریز را به وی اعطا نمود (بابا مردوخ، بیتا، ۳۲۳). از دیگر اقدامات ایل کرد در حمایت از صفوی می توان به تلاش حاکم بدلیس ضیاء الدین پسر شمس الدین اشاره نمود که در سال ۱۰۲۶ ه.ق با حمله عثمانی به ایران وی با محمد پاشا بیگلربیگی وان نبرد کرد که در این نبرد یحیی خان پسر زکریا حاکم حکاری برخی از سربازان عثمانی را به قتل رساند (اسکندر بیگ، ۱۳۹۰، ۶۱۵/۲).

زمان حکومت شاه عباس، خاندان چگنی با دولت صفوی همراه بودند بطوری که زمان شاه عباس بوداق بیگ چگنی در کنار حاکم صفوی با ازبک ها در شرق نبرد کرد وی یکی از سرداران برجسته شاه صفوی بود. همچنین در غرب ایران با حمله سلیمان صفوی به کردستان و تبریز حاکم قلعه وان، علی سلطان چگنی به شدت در برابر عثمانی مقاومت نمود. اما پس از مقاومت مدت نه روزه قلعه تصرف عثمانی در آمد و عثمانی آنجا را به توپ بست که در پایان این قلعه سقوط نمود.

بنابراین ایل چگنی در کنار دولت صفوی در برابر عثمانی مقاومت نمود (اسکندر بیگ، ۱۳۹۰، ۶۱۷/۲). همچنین ایل چگنی از طرف شاهان صفوی به سمت خراسان مهاجرت کردند و از مرزهای شرقی در برابر ازبکان پاسداری نمودند، چگنی ها پس از مهاجرت به شرق در مناطقی میان قوچان و مشهد ساکن شدند در این مدت از مرزهای ایران پاسداری نمودند به دلیل همگرایی سیاسی و مذهبی با شاهان صفوی مناصب سیاسی کسب کردند (بدلیسی، ۱۳۴۳، ۱/ ۴۳۰). عصر شاه عباس اول در سال ۹۹۷ ه. ق بوداق خان علاوه بر فرمانداری مشهد مسوولیت یا لگی پسر شاه یعنی سلطان حسن میرزا را بدست آورد. شاه صفوی حکومت مناطقی مانند خبوشان و گماشت را به پسران بوداق خان سپرد (همانجا).

همکاری خاندان زنگنه با دولت صفوی زمان شاه عباس تداوم یافت، به این دلیل چند تن از نخبگان زنگنه جزء امرای عالی رتبه صفوی شدند مانند؛ علی بیگ (عالی بالی) زمان شاه عباس یوز باشی شاه (نگهبانان خاص شاه صفوی) شد علاوه بر آن فرمانده نظامی دسته‌ای از عشیره زنگنه در سپاه صفوی بود. چنانچه در جریان بازپس گیری اراضی عثمانی نقش فعالی داشت، وی بعدها از طرف شاه صفوی والی کرمان شد به مدت سی سال بر آنجا حکومت کرد. این خاندان در تثبیت قدرت صفوی در غرب ایران موثر بودند (منجم یزدی، ۱۳۶۶، ۲۷۱). زنگنه‌ها علاوه بر نقش نظامی و حفاظت از سرحدات کار دیپلماسی را نیز انجام می‌دادند آنان به رهبری عالی بالی با وساطت میان هلوخان اردلان و شاه صفوی مانع جنگ شدند و این امر توجه شاه را به آنها بیشتر نمود (اسکندر بیگ، ۱۳۹۰، ۲، ۱۰۴۱. روملو، ۱۳۴۹، ۸، ۶۸۷).

به قولی اولین بار زمان شاه عباس به خاندان اردلان لقب والی داده شد. والیان اردلان نسبت به شاه عباس صفوی وفادار بودند و در مرکز قدرت خویش شهر سندیج یا سنه از سرحدات مرزی حفاظت کردند این والیان سالیانه هدایا و پیشکشی برای شاه صفوی ارسال می‌کردند تا ارادت خویش را به آنان ثابت کنند این امر نشانه‌ای بر عدم استقلال طلبی آنهاست (ملا شریف، بی تا، ۲۰). این مراودات دو جانبه بود بطوری که گاهی حکام صفوی برای والیان اردلان هدایا ارسال می‌کردند پس اردلان با شاه صفوی پیوند و دوستی داشتند. همچنین والی اردلان که مقام فرمانده نظامی داشت با نیروی

واکاوی علل همگرایی و واگرایی ایلات کرد با دولت صفوی

نظامی خویش با صفویه کمک می‌کرد و با صفویه در نبردها شرکت می‌کردند چنانچه زمان هلوخان اردلان در نبردهای شاه صفوی با آنها همراهی می‌نمود (وقایع نگار کردستانی، ۱۳۷۹، ۴۲). زمان شاه عباس احمد خان اردلان بر عشایر کرد حکاری و عمادیه تابع عثمانی تاخت و همه را تابع صفوی نمود، دوران وی عصر شکوفایی قدرت اردلان بود در این مدت این خاندان مساعدت‌های بسیاری به شاه عباس نمودند. چنانچه در سال ۱۰۳۴ه.ق در حمله شاه عباس به بغداد احمدخان همراه وی بود شاه صفوی به کرکوک حمله کرد و قلعه شهر کرکوک را تصرف نمود پس از آن نیروی صفوی با کمک قوم کرد توانست شهر زور را تصرف کند، مرز حکومت احمدخان از غرب عمادیه تا کرمانشاه، همدان و لرستان امتداد یافت، این خاندان دوران صفوی قدرت خود را تثبیت کردند اما پس از شاه عباس به مرور قدرت آنها ضعیف شد (همانجا).

همگرایی مذهبی قوم کرد با صفویه:

مناطق کردنشین به دلیل موقعیت استراتژیکی و زیستی مورد توجه دولت‌های عثمانی و صفوی بود، در این منطقه علاوه بر دلایل سیاسی، اقتصادی علت مذهبی در گرایش یا دوری کردها با دو دولت همجوار اهمیت بسزایی دارد. با ورود اسلام به غرب ایران به مرور اغلب کردها جذب عقاید اهل سنت شدند هر چند بر خلاف کردها ساکن شامات، ترکیه و عراق اغلب کردهای ایران شیعه شدند (سلطانی، ۱۳۸۲، ۲۴). به دلیل موقعیت کوهستانی و صعب العبور بودن کردستان مردم آنجا علاقمند به تفکرات عرفانی و باطنی بودند بطوری که پیش از اسلام اغلب بر مذهب زرتشت بودند و از تفکرات عقلانی حمایت می‌نمودند، چنانچه عصر اسلامی کردستان یکی از مراکز مهم فرقه‌ها و طریقت‌های عرفانی و صوفیانه بود طریقت‌هایی همانند نقشبندیه، قادریه، بکتاشیه، اهل حق در کنار آیین ایزدی و زردشتی و مانوی در آنجا برقرار بود (افشار، ۱۳۸۱، ۲/۳۲). در ایران ایلات کرد گورانی در ایلام، کرمانشاه-بیجار و قروه بر مذهب تشیع امامیه و برخی بر مذهب اهل حق بودند. این ایلات به دلیل اشتراک مذهب با صفوی همراه این دولت بودند چنانچ ایل شقاقی از گوران ابتدا بر مذهب اهل سنت بودند اما عصر صفوی شیعه شدند (اسکندریگ، ۲/۴۵). همچنین طوایف کلهر، زنگنه، احمدوند، باجلان، سنجابی، ارکوازی، ملکشاهی و بلیکان نیز بر مذهب صفویان بودند، از

سویی در کردستان مذهب اهل حق شیوع یافت، ۴ هر چند در این مدت ایلات کرد شیعه اثنی عشری همانند خاندان اردلان همگرایی سیاسی و مذهبی با صفویه داشتند، همچنین خاندان زنگنه به اعتقاد بزرگان ایل، آنها در جمع آوری اجساد نهضت کربلا شرکت داشتند و خود را پیرو اهل بیت می‌دانند عصر صفوی از عراق به ایران مهاجرت کردند در مدت حکومت صفویان به دلیل همگرایی مذهبی از این دولت حمایت نمودند (همانجا). اما در میان برخی ایلات کرد تنوع مذهبی وجود داشت، مانند کردهای کرمانجی که برخی پیرو اهل سنت شدند. عده‌ای متأثر از دولت عثمانی حنفی و برخی از آنها پیرو تشیع و همراه با صفوی بودند. یا طایفه شباک یا شبک در سنجار که از غلات شیعه بودند و اجداد شاهان صفوی از آنجا فعالیت خود را آغاز نمودند این طایفه به دلیل ارتباط با اجداد صفویان همگرایی با آنها داشت (وقایع نگار، ۱۳۷۹، ۶۶). همچنین خاندان دنبلی ابتدا بر آیین ایزدی یا یزیدی بودند پس از استقرار در خوی و مجاورت با اهل سنت بر مذهب تسنن روی آوردند اما با ظهور صفوی برخی از این خاندان زمان شاه عباس شیعه شدند به قولی امیر بهلول دنبلی به شیخ حیدر صفوی پیوست و تغییر مذهب داد (قمی، ۱۳۶۳، ۱/۳۶). کندال، ۱۳۷۰، ۴۳). همچنین عبدالزاق دنبلی معتقد است خاندان دنبلی از همان ابتدا بر مذهب شیعه بودند به مرور اواخر صفوی گرایش به تشیع میان کردهای ایران افزایش یافت (همانجا).

در موضوع همگرایی مذهبی قوم کرد عصر صفوی دیدگاه مستشرقین متفاوت است، به دیدگاه مک داوول اغلب کردهای سنی و همگرا با دولت عثمانی بودند و دولت صفوی برای مقابله با کردهای سنی به تقویت تشیع در مرزهای کردنشین پرداخت (بدلیسی، ۱۳۴۳، ۱/۴۰۴). داوول، ۱۳۸۳، ۸۸). از سویی بارتولد معتقد است سنی‌های ایران همراه عثمانی بودند و حتی در برابر صفویان به عثمانی کمک می‌کردند. به این خاطر جامعه کرد انسجام دینی و سیاسی نداشت و این ناهمگونی و عدم اتحاد درونی موجب آشفته‌گی داخلی کردستان شد (بارتولد، بی‌تا، ۱۳۳). به دیدگاه ادوارد براون علت

۴. این مذهب در قرن چهارم ه.ق توسط مبارک شاه علوی ملقب به شاه خوشبین در لرستان ظهور کرد پیروان او را مظهر الله و متولد شده از زنی باکره می‌دانند. سپس وی از لرستان به همدان و کرمانشاه کوچ نمود زمان مغولان اندیشه وی توسط اسحاق برزنجی وارد مناطق کردنشین شد اهل حق ابتدا پیرو امارت اردلان سسندج سپس تابع کلهر شد. حبیب الله، تابانی، ۱۳۸۰، ۴۰۳.

واکاوای علل همگرایی و واگرایی ایلات کرد با دولت صفوی

اصلی جنگ عثمانی و صفوی مذهب بود زیرا سلاطین سنی مذهب عثمانی خواهان خلافت اسلامی بودند از جهتی حکام صفوی نیز همین ادعا را داشتند هر دو بر گسترش قدرت مذهبی و سیاسی تاکید می نمودند و در پی مشروعیت خواهی برای حکومت خویش به عنوان جانشین شایسته رسول خدا(ص) بودند. این تضاد موجب نوعی تشنگی و پراکندگی مذهبی در مناطق مرزی شد(براون، ۱۳۶۹، ۴، ۲۵). هر دو دولت در جذب حکام کرد تلاش می کردند شاه عثمانی خود را خلیفه رسول خدا(ص) می دانست و با اعلام جهاد با کفار و صیانت از مرزهای مسلمین خواهان مشروعیت دینی بود لذا در این مورد با حکام سنی کرد در ارتباط بود مانند ارسال نامه از جانب بایزید به حاجی رستم گُرد بر مرجعیت دینی حاکم عثمانی تاکید می نماید چون هدف عثمانی حفظ قدرت در مرزهای غربی و شرقی (ایران) به دلیل موقعیت برجسته سیاسی و اقتصادی و تجاری است به این روش خواهان جذب قوم کرد بود(بدلیسی، ۱/۴۳۴. پورگشتال، ۱۳۶۷، ۱/ ۲۱. چارش لی، ۱۳۷۰، ۱، ۳۷۲). هر چند در ایران عصر صفوی رفتار برخی شاهان متعصبانه و خشن بود این امر موجب جدایی حکام کرد از صفوی شد زیرا شاهان صفوی خواهان تسلط بر راه بازرگانی و تجاری و مناطق استراتژیکی غرب ایران بود، بنابراین گاهی روش آنها در جذب و سلطه بر مناطق مرزی خشن بود چنانچه شاه اسماعیل به کشتار کردهای سنی پرداخت و امرای قزلباش را حاکم مناطق کرد نشین کرد. و این موجب اعتراض کردها شد، از سویی برخی طوایف کرد شیعه در حمایت از صفوی علیه عثمانی شورش کردند مثل شورش ایلات کرد شیعی در ولایت تکه در آسیای صغیر که اغلب قبایل تکلو تابع شاه اسماعیل شدند حتی قبایل قزلباش آناتولی به خاطر تشیع به ایران آمدند، لذا کردها علاوه بر مهاجرت سیاسی به مهاجرت مذهبی نیز روی آوردند(پطروشفسکی، ۱۳۵۳، ۹۰).

واگرایی سیاسی قوم کرد از صفوی:

در مقابل همگرایی ایلات کرد ایران با صفوی گاهی به دلیل تعصبات مذهبی شاهان صفوی یا تطمیع دولت عثمانی برخی خاندانها و ایلات کرد برای مدتی تابع عثمانی می شدند، در ادامه مهمترین علل واگرایی ایلات کرد از صفویه مطرح می شود:

در قرن نهم و دهم هجری در جهان اسلام قدرت عثمانی در آسیای صغیر به ثبات رسید از سویی موجب ترویج مذاهب اهل سنت شد در حالیکه فلات ایران شاهد شکل‌گیری دولت شیعی صفوی بود. به دلیل واقع شدن سرزمین استراتژیکی و تجاری کردنشین در میان این دو دولت قدرتمند مکانی برای منازعات حکومت‌ها شد و از پیامدهای آن تقسیم کردستان میان دو دولت شد، چنانکه بخش غرب زاگرس تابع عثمانی و قسمت شرق آن تابع صفوی گردید. از دیگر پیامدهای آن ایجاد حکومت‌های مستقل یا نیمه مستقل حکاری، به‌دینان، بابان و اردلان در برابر دو دولت بود (لازیف، ۵۹). از اقدامات دولت عثمانی در جذب قوم کرد و تضعیف صفوی ایجاد هرج و مرج در سرحدات مرزی بود، تا به این روش بتواند به استقلال داخلی قوم کرد در غرب ایران یاری رساند و موجب آشفته‌گی داخلی حکومت صفوی گردد. در این خصوص حکیم ادیس حاکم بتلیس مامور جذب و تشویق دیگر امرای کردستان به هدف ایجاد استقلال محلی بود. به مرور هر یک از امرای کرد از دولت صفوی سربیزی کردند از دلایل مهم واگرایی از صفوی شکست شاه اسماعیل در سال ۹۲۰ ه. ق. از سلطان سلیم در چالدران بود، و مطابق معاهده دو دولت کردستان میان آنها تقسیم شد. (بدلیسی، ۱۳۴۳، ۳۷۵/۱). در این نبرد مناطق شرق زاگرس تابع صفوی بود، به نظر می‌رسد نبرد چالدران میدان سرنوشت قوم کرد و کردستان بود پس از این نبرد دو دستگی سیاسی و مذهبی در میان ایلات کرد آشکار گردید، در نبرد چالدران برخی ایلات کرد همراه صفوی و برخی تابع عثمانی بودند، بطور نمونه خالدبیگ پازوکی در کنار شاه صفوی نبرد کرد و یک دست خود را از دست داد اما وی پس از مدتی ادعای سلطنت و استقلال نمود به نام خویش سکه زد و خطبه خواند وی حکومت سلطان سلیم را به رسمیت شناخت (همانجا). به نظر می‌رسد اقتدار عثمانی در سرحدات مرزی از عوامل جدایی و واگرایی قبایل کرد از صفوی بود اما سیاست و رفتار شاهان صفوی در این جدایی بی‌تاثیر نبود. چنانچه شاه اسماعیل در ابتدای حکومت با نیروی قزلباش سه بار به کردستان لشکر کشی نمود و در پایان آنجا را تسخیر نمود و امیر بوهتانی کرد را تابع خود کرد، اما برخی ایلات همانند قلاع آگیل، عشایر مگری و سوبدی در برابر صفوی مقاومت نمودند و شاه صفوی با قزلباش به سرکوب آنها پرداخت (روملو، ۱۳۴۹، ۸، ۱۷۸-۱۸۰. خواندمیر، ج ۸ ص ۱۷۰).

واکاوای علل همگرایی و واگرایی ایلات کرد با دولت صفوی

همچنین شاه اسماعیل در سرکوب قبایل کرد یازده تن از امرای آنجا که به جهت تابعیت به نزد وی آمدند و وارد تبریز شدند را به قتل رساند و بدبینی و عدم اعتماد وی به قوم کرد موجب نارضایتی عمومی کردها شد، لذا در این مدت مردمان دیاربکر، سیرت، آناک و میافارقین و بوهتی در برابر قزلباش مقاومت کردند(همانجاها). به نظر می رسد روند سیاست و مناسبات شاه اسماعیل با ایلات کرد را اساس بدبینی و شک بود، وی برخی را به شدت تنبیه می نمود و به جای امرای آنها از نیروی قزلباش در امارت های کرد نشین استفاده نمود اما نسبت به برخی دیگر مانند حکاری و شیروان رثوف بود بطوری که به امرای شیروان غیر اراضی تحت نفوذ خویش منطقه کفرا را تقدیم نمود(روملو، ۱۳۴۹، ۱۸۲/۸). رفتار سختگیرانه شاه اسماعیل با قوم کرد عاملی برای شورش برخی قبایل علیه وی گردید، مانند شیر صارم کرد از ایالت مکرری که شورش وی به شدت سرکوب شد و به قتل رسید(همانجا). همچنین کردهای ایزدی در غرب ایران شورش کردند اما شاه صفوی آنها را مطیع خود نمود وی توانست امرای کرد صاصون را حبس کند لذا روش شاه صفوی با سرکوبگری و عزل امرای کرد و تقویت قزلباش در مناطق کرد نشین و مخالفت با اهل سنت عاملی در جدایی و مهاجرت قوم کرد به عثمانی شد(سیوری، ۱۳۸۰، ۴۹). به نظر می رسد اختلافات مرزی عثمانی و صفوی و تقسیم ایالت کرد نشین در بی ثباتی کردستان موثر بود، این بی ثباتی به میزان توان و قدرت شاه صفوی بستگی داشت گاهی شاه با اقتدار به جذب و تثبیت قدرت در مرزها مبادرت نمود گاهی ضعف شاه بی ثباتی را شدت می داد. به مرور اغلب ایالت های کرد از ذهاب تا کرمانشاه جز کردستان جنوبی همانند کلهر، زنگنه تابع عثمانی شدند. روند جدایی و مخالفت قوم کرد با شاه اسماعیل صفوی در دیاربکر پی گیری شد نیروی های کرد دیاربکر با کمک امیر بتلیس و صاصون با نیروی قزلباش نبرد کردند سپس دولت عثمانی نیروی کمکی برای آنها به فرماندهی محمد پاشا ارسال کرد این امر موجب فرار نیروی نظامی صفوی شد به این ترتیب این امارت در تصرف عثمانی باقی ماند(زکی بیگ، ۱/ ۱۲۸). سپس دولت عثمانی امرای ماردین را تشویق به همراهی نمود اهالی شهر نیروهای صفوی را بیرون کردند لذا در نبرد میان کردها و صفوی اغلب شهرهای سنجار-جرمیک و عشایر کرد روشنی-حریری-جزیره تابع عثمانی شد. به این ترتیب

با تلاش مولا ادریس حاکم بلتیس در سال ۹۲۰ ه. ق میان کرد و عثمانی معاهده ای بسته شد (روملو، ۱۳۴۹، ۸ / ۱۳۵). امارت‌های دیاربکر که شامل ۱۹ استان می‌شد مطابق معاهده سال ۹۲۰ ه. ق تابع عثمانی شدند این معاهده مدت ۱۵ سال اجرایی شد در این مدت امارت‌های محمودی، حکاری، بهدینان، عمادیه، صاصون، سوبدی، بنی عنانه، کلس و زراکی در کرستان شمالی تابع عثمانی شدند. لذا اغلب ایالات کرد به دلیل مذهبی یا تسامح حکام عثمانی با این دولت همکاری کردند (روملو، ۱۳۴۹، ۸ / ۱۳۷).

پس از فوت شاه اسماعیل و با قدرت‌گیری شاه طهماسب شرایط در مناطق کرد نشین تغییر کرد، چنانچه در این مدت ذوالفقارخان حاکم کلهر به بغداد حمله کرد به نام خود سکه زد و تابع عثمانی شد هر چند در پایان به قتل رسید، اما این نشانه‌ای بر واگرایی ایالات کرد از صفویه است، از سویی در این مدت حاکم بدلیس نیز از عثمانی به شاه صفوی پناه برد و موجب آشفته‌گی موازنه قدرت شد. در مدت حکومت شاه طهماسب در نبردهای با عثمانی و گرجستان هر دو نیرو از سربازان کرد استفاده می‌کردند، بطوری که در تصرف تبریز توسط عثمانی امرای کرد محمودی و پازوکی و برادوست همراه سپاه عثمانی بودند (زکی بیگ، ۱ / ۱۳۸). در این مدت شاه طهماسب بارها به کردستان مرکزی حمله نمود بطوری که در سال ۹۶۱ ه. ق وی تا ارزنجان و دیاربکر پیش رفت و اغلب آبادی‌های آنجا را ویران نمود. وی افراد بسیاری از قوم کرد را به قتل رساند همچنین ایالت‌های وان، بتلیس، اخلاط و موش را غارت نمود (روملو، ۱۳۴۹، ۸ / ۱۲۷۳). به نظر می‌رسد هر چند شاه طهماسب سیاست سختگیرانه‌ای نسبت به شاه اسماعیل نداشت اما بارها ایالات کرد علیه صفوی شورش کردند و اغلب این شورش‌ها توسط کردهای سنی مذهب صورت گرفت. برخی ایالات مانند پازوکی، روزکی، سیاه منصور، اردلان و چگنی همراه شاه طهماسب بودند اما برخی همچنان تابع عثمانی شدند (همانجا). بطوری که ایالات کرد همراه عثمانی به اراضی ارومیه حمله کردند و برخی را به قتل رساندند. در این مدت فیل پاشا ترک با شرف خان روزکی نبرد کرد اما شکست خورد (اسکندر بیگ، ۱۳۹۰، ۱ / ۱۰۵). پس از مرگ شاه طهماسب، سیاست شاه عباس اول با قوم کرد شامل تشویق و بخشش، تبعید و نبرد می‌شد، در زمان شاه عباس برخی قبایل همراه

واکاوی علل همگرایی و واگرایی ایلات کرد با دولت صفوی

صفوی بودند اما عده‌ای همچنان با عثمانی همراهی می کردند چنانچه قوم مکرری زمان امارت قباد به دلیل اختلافات مذهبی با صفویه همراه عثمانی شد، لذا سال ۱۰۱۹ ه. ق شاه عباس به آنجا حمله کرد و مردمان آنجا را به قتل رساند. اغلب زنان و کودکان اسیر شدند به قولی این نبرد شیعه و سنی بود (همانجا). همچنین طایفه برادوست در ابتدا همراه با شاه عباس بود امیرخان برادوست از جانب شاه صفوی خان مناطق ترگوار، ارومیه، مرگور و سندور شد وی قلعه مستحکم دم دم را بنا نمود به قولی به دلیل سعایت دشمنان که وی خواهان استقلال است خاطر شاه نسبت به وی مکدر شد لذا شاه عباس برخی از افراد طایفه جلالی را به قوم برادوست فرستاد اما امیرخان اطاعت نکرد و این امر موجب شدت یافتن اختلافات شد لذا شاه صفوی با نیروی قزلباش به نبرد برادوست آمد مدت چهارماه قلعه دم دم را به توپ بستند اما به دلیل استحکام قلعه تصرف کامل آنجا مدت یکسال طول کشید قزلباش عشایر مکرری را قتل عام نمودند (اسکندر بیگ، ۱۳۹۰، ۲/ ۱۱۵). از سوی طایفه محمودی نیز به رهبری سلیمان بیگ به مراغه آمدند و آنجا را غارت نمودند الله وردی خان به همراه قزلباش به آنجا حمله کرد و قوم کرد را غارت کردند، خلق بسیاری از آنها را کشتند (همانجا). اما به دلیل مخالفت ایلات کرد محمودی، حکاری با صفوی به ایالت‌های خوی، سلماس و آذربایجان حمله کردند اما در پایان از قزلباش شکست خوردند (اسکندر بیگ، ۱۳۹۰، ۲/ ۱۱۷). زیرا حاکمان عثمانی به جهت جذب ایلات کرد بر اغلب روسای محلی کرد تکیه نمودند در حالیکه شاهان صفوی برخی روسای کرد همانند اردلان را حمایت کردند و سیاست تحمیل حکام غیر کرد را در پیش گرفتند اما عثمانی با کردها رفتاری با تسامح و مسالمت آمیز داشت پس به جای خشونت و تنبیه رفتاری با تسامح به جهت حفظ موقعیت خویش در غرب فلات ایران در برابر صفویه و اداره بهتر این مناطق را بکاربردند. بطور مثال زمان سلطان سلیم وی تمامی امرای کرد عزل شده توسط شاه اسماعیل را دوباره به مقام امارت قرار داد و کردها را در بخش سواره و پیاده نظام لشکر خود استعمال نمود. این عمل شکلی از نظام فئودال در سرزمین عثمانی بود تا بتواند کردستان را تابع خود کند (داول، ۱۳۸۳/ ۷۹). علاوه بر حکومت نیمه مستقل امرای کرد در آسیای صغیر روش

حکومتی عثمانی بر اساس نظام سنجاق^۵ و حکومت موروثی در کردستان برقرار شد، همچنین عثمانی اتحادیه چادرنشینان کرد و ترک را برقرار نمود تا امنیت مرزها و استقلال داخلی کردستان حفظ شود این سیاست عثمانی موجب جذب کردها شد چنانچه در نبرد با قزلباش کردها و ترک به پیروزی رسیدند. به مرور کردها نیروی قزلباش را از شهرهای کردستان اخراج کردند، در این مدت در رقابت صفوی و عثمانی کردهای ساکن سرحدات مرزی نقش بارزی داشتند در هردو سپاه نیروی کرد حاضر بود چنانچه در نیروی عثمانی کرد در مقام سواره نظام سبک اسلحه نقش ممتازی ایفا می نمود کردهای حکاری-محمودی و بابان در نیروی نظامی عثمانی در نبرد با صفویه نقش مهمی داشتند. علاوه بر فعالیت نظامی و اداری در دربار عثمانی امرای محلی کردستان از پرداخت مالیات معاف بودند(داول، ۱۳۸۳/۸۳). در نتیجه دو دستگی میان قبایل کرد در همراهی با دو دولت عثمانی و صفوی در ایالت های کردنشین دائما نبردهای داخلی در حمایت از یکی از دو دولت رخ می داد چنانچه سالیان متمادی میان خاندان اردلان همراه با صفوی و خاندان بابان همراه با عثمانی نبرد برقرار بود هر چند پس از شکست چالدران اغلب متصرفات اردلان به عثمانی سپرده شد اما این خاندان همچنان با صفوی همراه بودند. رقیب آنها خاندان بابان زمان سلطان سلیمان قدرت گرفتند و خدمات بسیاری برای دولت عثمانی انجام دادند به این خاطر قدرت آنها در کردستان افزایش یافت و یکی از رقبای سرسخت خاندان های کرد تابع صفوی شدند(اسکندریگ، ۱۳۹۰، ۲/۲۲۷). به نظر می رسد اغلب امارت های کرد سنی نشین همگرایی مذهبی با عثمانی داشتند، همانند امارت های کرد جزیره و درسیم نسب خویش را به خالد بن ولید و امویان می رساندند پس از عثمانی تابعیت کردند، این امارت شامل خاندان عزیزی-بدری و عبدالی می شد تمامی آنها با عثمانی همراه بودند(اسکندریگ، ۱۳۹۰، ۲/۲۳۸). همچنین امارت شیروان از کردهای حصن

^۵ از تقسیمات اداری امپراطوری عثمانی و به معنی منطقه یا شهرستان است. در دولت عثمانی تقسیمات بر اساس ایالت و هر ایالت چند سنجاق داشت. کردستان پس از چالدران همراه عثمانی شد و مطابق پیمان کرد و ترک ۱۶ امیرنشین تابع عثمانی شدند که در مقر حکومت خود به عنوان سنجاق بیگی دولت عثمانی بودند. در این نوع حکومت استقلال داشتند و سکه به نام خود می زدند و مالیات به دولت عثمانی نمی دادند. تنها باید به باب عالی وفادار باشند و شورش نکنند. و سپاه در اختیار آنها قرار دهند. سنجاق کردستان شامل شمال آن تا جلگه دجله و فرات و شهرهایی مانند دیاربکر-مادردین-خارپوت و بدلیس-هکاری و جزیره و غیره بود. دوسون، داوود، ۱۳۸۱، ۶۳.

واکاوی علل همگرایی و واگرایی ایلات کرد با دولت صفوی

کیف از نسل ایوبیان مصر که در مناطق شبستان، ایروان و کفرا قدرت داشتند به دلیل مذهبی تابع عثمانی بودند(همانجا).

نتیجه

با توجه به اهمیت سیاسی و نظامی مناطق غرب ایران در قرن دهم هجری، عملکرد ایلات کرد ساکن زاگرس با حکومت مرکزی وقت مهم است، لذا میزان تسامح و توجه حکام صفوی با رهبران و ایلات کرد در همگرایی سیاسی و مذهبی آنان با دولت ارزشمند است، به نظر می رسد رفتار حاکمان صفوی با کردها بویژه کردهای اهل سنت بر اساس خشونت و تنبیه بود این امر موجب تمرد و دوری قوم کرد از صفوی شد. لذا از علل دوری و جدایی کردستان شمالی از صفویه می توان به موارد ذیل اشاره نمود: علل مذهبی: با رسمی شدن مذهب شیعه در ایران این امر موجب مهاجرت علمای اهل سنت و طوایف سنی مذهب کرد بود زیرا تا شکل گیری صفویه اغلب طایفه های غرب ایران بر مذهب سنت بودند. همچنین وضعیت طبیعی و کوهستانی کردستان به دلیل کوهپایه بودن زاگرس و ناهمواری های طبیعی موجب تمرد و استقلال خواهی کردها شد. لذا اغلب این طوایف سنی مذهب با عثمانی همکاری کردند. از سویی سیستم اداری عثمانی با صفوی تفاوت داشت، در ایران به دلیل حاکمیت مطلق شاه و مالک جان و مال افراد بود، حاکمان صفوی به جهت جلوگیری از شورش کردها حکام قزلباش بر ایالت های کردستان قرار دادند تا حافظ مرزهای سیاسی و اجتماعی صفوی باشند اغلب امرای کرد به قتل رسیدند اما عثمانی رفتار مسالمت آمیز نسبت به کردها داشت و حاکمان کرد به عنوان نایبان عثمانی بر امارت های خویش حکومت کردند این امر موجب جذب کردها به عثمانی شد.

منابع

۱. ابن بزاز، ۱۳۷۷، صفوه الصفا، غلامرضا طباطبایی، تهران، زریاب.
۲. اسکندر بیگ، ۱۳۹۰، تاریخ عالم آرای عباسی، به کوشش فرید مرادی، تهران، نگاه.
۳. افشار، ایرج ۱۳۸۱، کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن، تهران، نگارستان.
۴. باربارو، جوزف، ۱۳۸۱، سفرنامه ونیزیان، مترجم منوچهر امیری، تهران، خوارزمی.

۵. براون، ادوارد، ۱۳۶۹، تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ترجمه بهرام مقدادی، تهران، مروارید.
۶. برن، بی، تا، نظام ایلات در دوره صفویه، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، بنگاه نشر و ترجمه.
۷. تابانی، حبیب الله، ۱۳۸۰، وحدت قومی کرد و ماد، تهران، گستره.
۸. تتوی، ملا احمد، ۱۳۸۷، تاریخ الفی، مترجم سید علی ال داوود، تهران، فکر روز.
۹. تبریزی، بی، تا، عالم آرای طهماسب، به کوشش ایرج افشار، تهران، مجلس شورای اسلامی.
۱۰. توحیدی، کلیم الله، ۱۳۶۵، حرکت تاریخی کرد به خراسان: بی جا.
۱۱. پطروشفسکی، ایلیا، ۱۳۵۳، اسلام در ایران، مترجم کریم کشاورز، تهران، پیام.
۱۲. پورگشتال، هامر، ۱۳۶۷، تاریخ امپراطوری عثمانی، مترجم میرزا زکی علی آبادی، تهران، زرین.
۱۳. چارش لی، اوزون، ۱۳۷۰، تاریخ عثمانی، ترجمه وهاب ولی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
۱۴. دورسون، داوود، ۱۳۸۱، دین و سیاست در دولت عثمانی، مترجم منصوره حسینی و داوود وفايي، تهران، وزارت ارشاد.
۱۵. روملو، حسن بیگ، ۱۳۴۹، احسن التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، سمت.
۱۶. قاضی، ملا شریف، بی، تا، زبده التواریخ، به کوشش محمد رئوف توکلی، تهران، نشر توکلی.
۱۷. قنبری، آرش، فریبرز ویسی، ۱۳۹۱، ایل مکرری و فراز و فرودهای روابط با شاه عباس اول صفوی، تهران، تاریخ نو.
۱۸. سلطانی، محمد علی، ۱۳۸۲، قیام و نهضت علویان زاگرس، تهران، بهار.
۱۹. سیوری، راجر، ۱۳۸۰، در باب صفویان، مترجم رمضان علی روحدالهی، تهران، نشر مرکز.

واکاوی علل همگرایی و واگرایی ایلات کرد با دولت صفوی

۲۰. صفری، ۱۳۶۴، تذکره شاه طهماسب، تهران، شرق.
۲۱. کجباف، علی اکبر، ۱۳۹۰، تبیین و مقایسه کارکرد نخبگان سیاسی و ایلی کُرد در دوره های صفویه و قاجار، پژوهش های تاریخی، دانشگاه اصفهان، سال سوم، پیاپی ۱۱.
۲۲. شمیم، علی اصغر، ۱۳۱۲، کردستان، تبریز، امید.
۲۳. مک داوول، دیوید، ۱۳۸۳، تاریخ معاصر کرد، مترجم ابراهیم یونسی، تهران، پانیزد.
۲۴. منجم یزدی، ۱۳۶۶، تاریخ عباسی، تهران، بیجا.
۲۵. میرخواند، ۱۳۳۹، روضه الصفا، تهران، خیام.
۲۶. مینورسکی، ولادیمیر، ۱۳۳۲، تذکره الملوک، به کوشش محمد دبیر سیاق، تهران، امیر کبیر.
۲۷. لازاریف، بیتا، تاریخ کردستان، مترجم کامران امینی، مسکو، فروغ.
۲۸. هروی، امیر محمود، بیتا، تاریخ شاه طهماسب، تهران، شرق.
۲۹. وقایع نگار کردستانی، ۱۳۷۹، جغرافیای تاریخی کردستان، به کوشش محمد رئوف توکلی، تهران، نشر توکلی.
۳۰. یاسمی، رشید، بی تا، پیوستگی نژادی کرد، تهران، ابن سینا.